

## بررسی جلوه‌ها و مضامین تمثیلی زندگی خوب براساس دیدگاه مارتین سلیگمن در بوستان و گلستان

### سعدی

نعیمه عمده غیائی<sup>۱</sup>

کامران پاشایی فخری\*<sup>۲</sup>

پروانه عادل‌زاده<sup>۳</sup>

### چکیده

تمثیل‌ها، سخنان موجز و لطیف و با محتوای بسیار عمیق هستند که در بافت آن‌ها عصارهٔ تجربیات بشری به صورت فشرده نهفته شده است. بنابراین تمثیل‌ها، نمونه‌های بارز «خَيْرُ الْكَلَامِ مَا قَلَّ وَ دَلَّ»، «لفظ اندک و معنی بسیار» به‌شمار می‌آیند. شاعران و نویسندگان از رویکرد تمثیلی برای بیان اهداف خود بهره برده‌اند. سعدی شیرازی نیز با استفاده از تمثیل سعی در انتقال پیام به مخاطب دارد. هدف پژوهش این است که با دقت تمام به بررسی جلوه‌های تمثیلی زندگی خوب از دیدگاه مارتین سلیگمن در بوستان و گلستان سعدی پرداخته شود. این مقاله به شیوه کتاب‌خانه‌ای و از طریق فیش‌برداری به شیوه توصیفی-تحلیلی در بوستان و گلستان سعدی صورت گرفته است و تلاش شده است به این پرسش پاسخ داده شود که جلوه‌های زندگی خوب از دیدگاه سلیگمن در بوستان و گلستان سعدی چه نقش و جایگاه تمثیلی نمادینی دارد؟ نتایج حاصل نشان می‌دهد با توجه به نظریه سلیگمن و فضایل او، رویکرد سعدی در اصلاح جامعه مبتنی بر همدلی و یاری‌رسانی به هم‌دیگر است که با

---

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، ایران، تبریز

<sup>۲</sup> استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، ایران، تبریز (نویسنده مسئول)

<sup>۳</sup> استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، ایران، تبریز

استفاده از آرایه تمثیل آن‌ها را بیان کرده است. شخصیت‌های داستان‌های او جملگی مثبت‌نگر، امیدوار به آینده، با روحیه، شاد، مشتاق به زندگی، سعادتمند و خشنود هستند.

**کلید واژگان:** تمثیل، زندگی خوب، مارتین سلیگمن، سعدی شیرازی.

## مقدمه

شادکامی، خوش‌حالی، خرسندی و خشنودی کلماتی هستند که از نقطه نظر ادبی، تقریباً دارای بار معنایی مشترکی می‌باشند، اما از دیدگاه روان‌شناختی هر کدام پیام متفاوتی را ارائه می‌دهند. آنچه که در این پژوهش بررسی می‌گردد، توصیف و تحلیل شادکامی و زندگی خوب از دیدگاه مارتین سلیگمن در آثار سعدی شیرازی با استفاده از تمثیل می‌باشد.

از هنگامی که مارتین سلیگمن رویکرد «روانشناسی مثبت‌نگر» را به جامعه روان‌شناسی معرفی نمود، تنها ده سال می‌گذرد و در این مدت کوتاه شاهد به وجود آمدن یک مکتب جدید با نظریه‌ها، پدیده‌ها و مفاهیم مختلف بوده‌ایم. اگرچه این مفاهیم و اصطلاحات امروزی از ابتدای پیدایش دانش بشری، توسط فیلسوفان و دانشمندان یونانی، هندی و ایرانی مورد بحث و چالش بسیار قرار گرفته‌اند، اما سلیگمن و همکارانش با استفاده از روش علمی و طبقه‌بندی مفاهیم توانستند مجموعه کاملی از این کلمات را در یک مکتب جدید فکری با عنوان رویکرد مثبت‌نگر معرفی نمایند. بنابراین آنچه که امروز در نظریه‌های روان‌شناسی مثبت‌نگر غرب، در مورد شادکامی، امید، خوش‌بینی، زندگی خوب، و غیره می‌بینیم، پدیده‌ها و کلمات جدیدی نیستند که در ادبیات و فلسفه اصیل ایرانی نوظهور باشند. بنابراین با بررسی اجمالی و تمثیلی بوستان و گلستان سعدی به سهولت می‌توان به درستی

این امر پی برد. سعدی در آفرینش آثارش، شاعری بی‌همتا می‌باشد که بارها از کلمات شادمانی، خوشی و شادی استفاده نموده است و شاد زیستن در تمام لحظات زندگی خوب را فلسفه آفرینش می‌داند.

## بیان مسئله

سعدی با آفرینش آثار تعلیمی و حکمی کوشیده است حاصل تجربیات سفرهای طولانی خود را در خلال حکایاتی به دیگران عرضه کند تا از این طریق میل به زندگی و شوق به آینده را در دل مردم زنده نگه دارد. او در آثارش مدینه فاضله‌ای ترسیم می‌کند که همه از فرجام حکایت‌ها خرسند و راضی هستند و گویی هر چیز به قاعده و سر جای خود قرار گرفته است. قرابت‌های ایدئولوژیکی و جهان‌بینی سعدی در آثارش با نظریه مثبت-گرای سلیگمن ما را بر آن داشت تا بوستان و گلستان سعدی را از منظر مثبت‌نگر سلیگمن و آرایه تمثیل بررسی کنیم؛ لذا در پژوهش حاضر به بررسی تمثیلی فضایل زندگی خوب در بوستان و گلستان سعدی پرداخته می‌شود. اهمیت این موضوع از آن است که یکی از عوامل پرجاذبه که نقش بسیار مهمی در انتقال مفاهیم زندگی خوب دارد، تمثیل است که در هر کشوری بخشی از فرهنگ و ادبیات آن را تشکیل می‌دهد. این پژوهش با هدف بررسی مضامین تمثیلی زندگی خوب در بوستان و گلستان سعدی براساس دیدگاه سلیگمن انجام شده است و نگارندگان برآنند تا به پرسش‌های زیر پاسخ دهند:

۱- زندگی خوب در بوستان و گلستان سعدی چه نقش و جایگاه تمثیلی و نمادینی دارد؟

۲- تمثیل زندگی خوب در بوستان و گلستان سعدی با چه ترکیبات و تعبیراتی آمده است؟

## پیشینه تحقیق

درباره تمثیل در ادب فارسی، تاکنون پژوهش‌های گوناگونی انجام گرفته و مقالات و کتاب‌هایی نوشته شده است. از جمله: کتاب «حکایت‌های حیوانات در ادب فارسی»، محمد تقوی، (۱۳۷۶)، در این کتاب حکایات حیوانی در آثار داستانی و تعلیمی ادب فارسی تا قرن دهم بررسی شده است. مقاله «نمادشناسی حیوانات در کتاب طرب-المجالس»، مریم محمودی و رضا الیاسی، (۱۳۹۶)، در این مقاله براساس قسم سوم کتاب طرب‌المجالس به شناسایی نمادهای حیوانی به کار رفته در این کتاب پرداخته شده است. مقاله «سیرت انسانی در صورت حیوانی»، حاتم زندی، (۱۳۹۳)، در این مقاله نویسنده به بهره‌گیری‌های اخلاقی و عرفانی مولانا از شخصیت‌های حیوانی پرداخته است. مقاله «درآمدی انتقادی بر شیوه‌های بیان مفاهیم اخلاقی در حکایت‌های تمثیلی و جانوری»، شیرزاد طائفی، سعید اکبری، (۱۳۹۴)، این پژوهش نشان می‌دهد که شناخت زمینه داستانی تمثیل در حکایت‌های تمثیلی به شناخت گزاره‌های اخلاقی صریح در تمثیل و ساختار حکایت‌های تمثیلی کمک می‌کند.

چنان‌چه مشاهده می‌کنیم هیچ تحقیقی در رابطه با موضوع پژوهش تاکنون انجام نگرفته است، لذا موضوعی بکر می‌باشد.

## روش تحقیق

به روش کتابخانه‌ای است؛ به این صورت که ابتدا با روش توصیفی نظریه سلیگمن مورد بررسی قرار گرفته است. سپس با خواندن بوستان و گلستان سعدی، فضایل زندگی خوب براساس نظریه سلیگمن و آرایه تمثیل، بررسی و تحلیل شده است. از این روی روش تحقیق توصیفی-تحلیلی است.

## چارچوب نظری تحقیق

### معانی لغوی تمثیل

«مرحوم علامه علی اکبر دهخدا در لغت‌نامه ارزشمند خود برای «تمثیل» این معانی را آورده است: «مثل آوردن،

تشبیه کردن چیزی به چیزی و مثل الشی بالشی تمثیلاً و مثالاً». (دهخدا، ۱۳۷۷: ۶۹۷۰)

«مرحوم دکتر معین نیز ذیل کلمه «تمثیل» چنین آورده است: «۱- مثال آوردن ۲- تشبیه کردن، مانند کردن ۳-

صورت چیزی را مصور کردن ۴- داستان یا حدیثی به عنوان مثال بیان کردن، داستان آوردن». (معین، ۱۳۶۴:

۱۱۳۹)

### معنای اصطلاحی تمثیل

محمود فتوحی در مقاله‌ای با عنوان «تمثیل، ماهیت، اقسام، کارکرد» تمثیل و اقسام آن را به خوبی شرح داده

است. وی در ابتدای این مقاله می‌نویسد: «در مباحث ادب فارسی و عربی، اصطلاح تمثیل، حوزه معنایی گسترده‌ای

را در بر می‌گیرد که از تشبیه مرکب، استعاره مرکب، استدلال، ضرب‌المثل و اسلوب معادله گرفته تا حکایت

اخلاقی، قصه‌های حیوانات، قصه‌های رمزی و نیز معادل روایت داستانی (الیگوری) در ادبیات فرنگی را شامل

می‌شود». (فتوحی، ۱۳۸۳: ۱۴۲)

نویسنده در ادامه، دیدگاه‌های دانشمندان علوم بلاغی را که از گذشته تا امروز درباره تمثیل سخن گفته‌اند منحصر

بر چهار دیدگاه می‌داند:

«دیدگاه نخست: تمثیل را مترادف و هم معنی با تشبیه می‌دانند.

دیدگاه دوم: تمثیل، نوعی تشبیه است که وجه شبه مرکب از امور متعدد باشد.

دیدگاه سوم: تمثیل را از زمره استعاره و مجاز می‌شمارند و آن را از تشبیه جدا می‌کنند.

دیدگاه چهارم: تمثیل، داستانی است که پیامی در خود نهفته دارد و معادل الیگوری در بلاغت فرنگی است.»

(همان: ۱۵۰)

شمیسا در کتاب بیان خود تمثیل را این گونه تعریف کرده است: «تمثیل (ALlegory) هم حاصل یک ارتباط دو گانه بین مشبه و مشبه‌به (ممثل) است. در تمثیل هم اصل بر این است که فقط مشبه‌به ذکر شود و از آن متوجه مشبه شویم؛ اما گاهی ممکن است مشبه هم ذکر شود. (مثل تشبیه تمثیل) مثل کسانی که به دنیا چسبیده‌اند، مثل کسانی است که در رهگذر سیل خانه ساخته‌اند. در این صورت هم از مشبه و هم از مشبه‌به، امر کلی‌تر را استنباط می‌کنیم؛ کسانی که به امور حقیر و ناپایدار مشغولند و عاقبت را نمی‌بینند؛ از کار خود بی‌بهره هستند.» (شمیسا، ۱۳۷۱: ۲۰۵)

### پیدایش روان‌شناسی مثبت‌نگر

مثبت‌نگری همان تصورات درست و خوب هم‌چون عشق، انفاق، صبر، احسان، امیدواری و غیره است که در ذهن داریم و جاذب انرژی مثبت در زندگی می‌شود. این دیدگاه به علت جایگاه مهمی که دارد، شاخه‌ای از علم روان‌شناسی محسوب می‌شود. مثبت‌نگری را می‌توان استفاده کردن از تمامی ظرفیت‌های ذهنی مثبت و نشاط‌انگیز و امیدوارکننده در زندگی، برای تسلیم شدن در برابر عوامل منفی ساخته ذهن و احساس یأس‌آور ناشی از دشواری ارتباط با انسان‌ها و رویارویی با طبیعت دانست.

مارتین سلیگمن درباره هدف این نوع روان‌شناسی می‌گوید: «فهم، درک و شفاف‌سازی شادمانی و احساس ذهنی بهزیستی، موضوع محوری روان‌شناسی مثبت‌نگر است.» (سلیگمن ۱۳۷۹: ۱۴) بنابراین، هدف اصلی روان‌شناسی

مثبت‌نگر، فراهم کردن زندگی شاد و سلامتی روحی و جسمانی برای افراد است. «روانشناسی مثبت بر این باور بنا نهاده شده است که مردم خواهان زندگی معنادار و هدف‌مند هستند و باید به افراد کمک می‌کرد تا زندگی، عشق و کار خود را بهبود بخشند. یکی از حیطه‌های روان‌شناسی مثبت عبارت است از احساسات مثبت که دستیابی به آن موجود شاد زیستی در زمان حال و امید به آینده است.» (Donalson & etal' 2015: 189)

### بررسی و تحلیل مضامین تمثیلی زندگی خوب در بوستان

شمار تمثیل‌های موجود در بوستان که سعدی به کمک آن‌ها مسائل اخلاقی را بیان نموده و به زندگی خوب پرداخته است، ولی هر کدام از این حکایات هرچند که اندک باشد باز نشانگر مهارت و استادی مردی اندیشه‌مند است که در آن زمان و در اوضاع آشفته شیراز، باز در اندیشه رستگاری و سعادت انسان‌های امروز بوده است. در باب چهارم حکایت «بایزید بسطامی» نمونه‌ای از این تمثیل را با هم می‌خوانیم.

### ۱- رهایی از غرور و تکبر، تواضع، اخلاق نیک و پسندیده

ز گـرمابه آمد برون بایزید	شنیدم که وقتی سحرگاه عید
فروریختند از سرایی به سر	یکی طشت خاکسترش بی خبـر
کف دستِ شکرانه ملان به روی	همی گفت شولیده دستار و موی
به خاکستری روی در هم کشم؟	که ای نفس من در خور آتش
خدا بینی از خویش‌تن بین مخواه	بزرگان نگرند در خود نگاه
بلندی به دعوی و پندار نیست	بزرگی به ناموس و گفتار نیست
تکبر به خاک اندر اندازدت	تواضع سر رفعت افرازدت

به گردن فتد سرکش تند خووی  
 بلندیت باید بلندی مجووی  
 ز مغرور دنیا ره دین مجووی  
 خدا بینی از خویشتن بین مجوی  
 گرت جاه باید مکن چون خسنان  
 به چشم حقارت نگه در کسان  
 گمان کی برد مردم هوشمنند  
 که در سرگرانی است قدر بلند؟  
 از این نامور تر محلی مجووی  
 که خوانند خلقت پسندیده خوی  
 نه گر چون تویی بر تو کبر آورد  
 بزرگش نبینی به چشم خرد؟  
 تو نیزار تکبر کنی همچنان  
 نمایی، که پیشت تکبر کنان  
 چو استاده ای بر مقامی بلند  
 بر افتاده گر هو شمندی مخند  
 بسا ایستاده در آمد ز پای  
 که افتادگانش گرفتند جای  
 گرفتم که خود هستی از عیب پاک  
 تَعْنُتُ مکن بر من عیب ناک  
 یکی حلقه ی کعبه دارد به دست  
 یکی در خراباتی افتاده مست  
 گر آن را بخواند، که ننگذاردش؟  
 ور این را براند، که باز آردش؟  
 نه مُستظهرست آن به اعمال خویش  
 نه این را در تو به بسته ست پیش

( سعدی، ۱۳۸۹: ۱۱۶ )

این حکایت تمثیل به داستان است که: پیامبر هر روز از کوچه‌ای عبور می‌کرد و مردی یهودی بر سر ایشان خاکستر می‌ریخت. چند روزی مرد غایب شد و پیامبر احوال وی را پرسید، گفتند که مریض شده، پیامبر به عیادت وی رفت و مرد با دیدن او شهادتین گفت و مسلمان شد.



مولفه‌های زندگی خوب از دیدگاه مارتین سلیگمن در این حکایت سعدی شامل: رهایی از غرور و تکبر، دعوت به افتادگی و تواضع است. در این حکایت هم‌چنین سعدی، والاترین مقام و منزلت را خلق و خوی پسندیده می‌داند و افراد بشری را به اخلاق نیک و پسندیده سفارش می‌نماید.

## ۲- هم‌دلی و هم‌دردی

در عالم بوستان همه انسان‌ها با یک‌دیگر هم‌دلی و هم‌دردی می‌ورزند و در هنگام سختی‌ها و مشکلات هم‌دیگر را فراموش نمی‌کنند. در حقیقت آن کس که از این فضیلت بی‌بهره است شایسته این مدینه فاضله نیست و در آرمان شهر سعدی جایی ندارد. به همین سبب در قحط سال دمشق مردی که با مکنت است و جاه و زر و مال دارد، اما همیشه غم دیگران را می‌خورد و به خاطر رنج دیگران از او استخوانی مانده است و پوستی، غم بینوایان رخ‌وی را نیز زرد کرده است گویی که مردی فقیر و تهیدست است. نگاه او بر دوستی است که از درماندگی وی در شگفتی است، به نظر او وقتی دوستان در دریای مصیبت غریق هستند بر ساحل بودن چه آسایشی می‌تواند داشته باشد؟

چنان قحط سالی شد اندر دمشق	که یاران فراموش کردند عَشه
چنان آسمان بر زمین شد بخیل	که لب‌تر نکردند زرع و نخیل
بخوشید سرچشمه‌های قدیم	نماند آب، جز آب چشم یتیم
نبودی بجز آه بی‌بوه زندی	اگر بر شدیدی دودی از روزندی
چو درویش بی‌برگ دیدم درخت	قوی بازوان سست و درمانده سخت
نه در کوه سبزی نه در باغ شخ	ملخ بوستان خورده مردم ملخ

ازو مـانده بر استخـوان پوستـی  
 خداوند جاه و زر و مال بود  
 چه درماندگی پشت آمد؟ بگـوی  
 چـو دانی و پرسى سؤالت خطـاست  
 مشقـت به حد نهـایت رسید؟  
 نه بر مـی رود دود فـریادخـوان  
 کُشد زهر جایی که تریاک نیست  
 تو را هست ، بط را ز طوفان چه باک؟  
 نگه کردن عـالم اندر سفیه  
 نیاساید و دوستانش غریق  
 غم بی مـرادان دلم خسته کرد  
 نه بر عضو مردم ، نه بر عضو خویش  
 که ریشی بینم بلرزد تنم  
 که باشد به پهلوی رنجور سست  
 به کام اندرم لقمه زهرست و درد  
 کجا ماندش عیش در بوستان؟  
 (سعدی، ۱۳۸۹: ۵۸)

در آن حال پيش آمدم دوستـی  
 و گرچه به مکنّت قوی حـال بود  
 بدو گفتم : ای یار پاکيـزه خـوی  
 بغرید بر من که عقلت کجاست؟  
 نبینی که سختی به غـایت رسید  
 نه باران همـی آید از آسمـان  
 بدو گفتم : آخر تو را باک نیست  
 گر از نیستی دیگری شده لاک  
 نگه کرد رنجیده در من فقیه  
 که مردار چه بر ساحل است ، ای رفیق  
 من از بیـمـرادی نیـم روی زرد  
 نخـواهد که بیند خـردمند ، ریش  
 یکی اول از تندرستـان منم  
 مُنغص بود عیش آن تندرست  
 چو بینم که درویش مسکین نخورد  
 یکی را به زندان بری دوستان

این حکایت تمثیل به خشکسالی عهد حضرت یوسف دارد. در این حکایت سعدی، مولفه زندگی خوب از دیدگاه سلیگمن، توجه به دوستان و هم‌نوعان است و از زبان مردی ثروتمند که اگر چه دارای جاه و زر و مال است ولی به خاطر سختی‌هایی که برای خود متحمل شده بود بسیار ضعیف و لاغر شده است. این گونه مخاطب را نصیحت کرده است:

وقتی که می‌بینیم سایر مردم در رنج و عذاب هستند نباید ما تنها در اندیشه خویشتن باشیم و دیگران را نادیده بگیریم. همان‌طور که ما رنج و عذاب را برای خودمان نمی‌پسندیم نباید نسبت به درد و رنج‌های دیگران نیز بی‌تفاوت باشیم.

### ۳- اتحاد

نمونه دیگر تمثیل که می‌توان آن را در مقام اتحاد، در نظر گرفت، حکایت «اندرنگه داشتن خاطر درویشان» در باب اول است.

مهـا زورمندی مکـن با کـهـان	که بر یک نَمَط می نماند جهـان
سهـر پنجـه ی ناتوان بر مپـیـچ	که گر دسـت یابد برآیی به هیـچ
عدو را به کوچـک نبـاید شمـرد	که کوه کلان دیدم از سنـگ خُرد
نبینی که چون با هم آیند مـور	ز شیـران جنگی بر آرند شـور
نه موری که مویی کز آن کمتر است	چو پر شد ز زنجیر محکم تراست
مُبر گفتمت پای مردان ز جای	که عاجز شوی گر در آیـی ز پای
دل دوستان جمع بهتر که گنج	خزینـه تهـی به که مـردم به رنج

مینداز در پهای کسار کسبی که افتد که در پایش افتی بسبی

(سعدی، ۱۳۸۹: ۵۷)

مولفه‌های سلیگمن: در بیت سوم با توصیه به کوچک نشمردن دشمن که شاید با هم متحد شوند و مقاوم گردند مقام اتحاد را گوشزد کرده است. هم‌چنین بیت پنجم تمثیل به حکایت است، سعدی می‌خواهد توجه به افرادی را که در سطح پایین‌تر زندگی قرار دارند سفارش نماید. سعدی در این حکایت این‌گونه اندرز می‌دهد که حتی اگر گنجینه ما به دلیل بخشش به افراد تهی دست، خالی بماند بهتر از آن است که سایر افراد بشری در رنج و سختی باشند.

### بررسی و تحلیل مضامین تمثیلی زندگی خوب در گلستان

در گلستان نیز نمونه‌هایی از تمثیل زندگی خوب وجود دارد که شیخ اجل با به کارگیری آن‌ها به پند و اندرز پرداخته و مخاطب خویش را به مسائل اخلاقی - اجتماعی، سفارش کرده است.

#### ۱- آگاهی از حال هم‌دیگر

«یکی را از ملوک عرب حدیثِ مجنونِ لیلی و شورشِ حال وی بگفتند که با کمالِ فضل و بلاغت سر در بیابان نهاده است و زمام اختیار از دست داده. بفرمودش تا حاضر آوردند و ملامت کردن گرفت که در شرفِ انسان چه خلل دیدی که خوی بهایم گرفتی و ترکِ عشرت مردم گفتی؟ گفت:

و رَبِّ صَدِيقٍ لَا مَنِي فِي وِدَائِهَا      أَلَمْ يَرَهَا يَوْمَ مَا فَيُوضِحَ لِي عُدْرِي؟

\*\*\*

کاش کا نان کہ عیب من جُستند      رویت ، ای دلستان بدیدندی  
تا به جای ترنج در نظرت      بی خبر دست ها بریدندی

تا حقیقت معنی بر صورت دعوی گواه آمدی که فَذَالِكُنَّ الَّذِي لُمْتُنَّي فِيهِ. مَلِكٌ رَا دِر دَل اَمَد جَمَال لَيْلِي مَطَالَعِه  
کردن تا چه صورت است موجب چندین فتنه؛ پس بفرمودش طلب کردن. در احیاء عرب بگردیدند و به دست  
آوردند و پیش مَلِك در صحن سراچه بداشتند. ملک در هیأت او تأمل کرد و در نظرش حقیر آمد، به حکم آن  
که کمترین خدم حرم او به جمال از وی در پیش بود و به زینت بیش. مجنون به فراست دریافت، گفت: از  
دریچه چشم مجنون بایستی در جمال لیلی نظر کردن تا سر مشاهده او بر تو تجلی کند.

مَا مَرَّ مِنْ ذِكْرِ الْحِمَى بِمَسْمَعِي      لَوْ سَمِعْتَ وَرُقُ الْحِمَى صَاحَتَ مَعِي  
يَا مَعْشَرَ الْخُلَّانِ قُولُوا لِلْمُعَا      فِي لَسْتَ تَدْرِي مَا بِقَلْبِ الْمُـوَجَعِ

\*\*\*

تندرستان را نباشد درد ریشش      جز به همدردی نگویم درد خویش  
گفتن از زنبور بی حاصل بود      با یکی در عمر خود ناخورده نیش  
تا تو را حالی نباشد همچو ما      حال ما باشد تو را افسانه پیش  
سوز من با دیگری نسبت مکن      او نمک بر دست و من بر عضو ریش»

(سعدی، ۱۳۸۷: ۱۴۴)

«تا بجای ترنج در نظر بی خیبر دستها را بریدند»

(همان)

تمثیل به داستان یوسف و زلیخا دارد. برای فهم و درک بیشتر مطلب آیه شریفه، در همین مورد را ذکر کرده‌ایم:

«فَلَمَّا سَمِعَتْ بِمَكْرِهِنَّ أَرْسَلَتْ إِلَيْهِنَّ وَأَعْتَدَتْ لَهُنَّ مُتَّكًا وَأَتَتْ كُلَّ وَاحِدَةٍ مِّنْهُنَّ سَكِينًا وَقَالَتْ اخْرِجْ عَلَيْهِنَّ فَلَمَّا

رَأَيْنَهُ أَكْبَرْنَهُ وَقَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ وَقُلْنَ حَاشَ لِلَّهِ مَا هَذَا بَشَرًا إِنْ هَذَا إِلَّا مَلَكٌ كَرِيمٌ. چون زلیخا مکر زنان مصری را

شنید کس به دعوت ایشان فرستاد و برای آنان تکیه گاهی ترتیب داد و در دسترس هر یک از ایشان کاردی نهاد

و به یوسف گفت به نزد ایشان بیرون آی. چون زنان مصری یوسف را بدیدند از زیبایی او در شگفت شدند و

به جای ترنج دست‌های خویش را بریدند و گفتند: پناه بر خدا این جوان، آدمی نیست بلکه فرشته‌ای بزرگوار

است.» (یوسف / ۳۱)

سعدی در ابیات پایانی این حکایت می‌گوید افرادی که در تندرستی و صحت و سلامت هستند از حال دیگران

آگاه نیستند پس نباید با آنها در این مورد سخن گفت.

به نمونه‌ای دیگر از تمثیل در باب هشتم می‌پردازیم:

## ۲- به کارگیری هنر، فضل و دانش

«جوهر اگر در خلاب افتد هم‌چنان نفیس است و غبار اگر به فلک رسد همان خسیس است. استعداد بی تربیت

دریغ است و تربیت نام‌ستعد، ضایع. خاکستر نسبی عالی دارد که آتش جوهری علوی است ولیکن چون به

نفس خود هنری ندارد با خاک برابر است و قیمت شکر نه از نی است که آن خود خاصیت وی است.

چو کنعان را طبیعت بی هنر بود      پیمبر زادگی قدرش نیفزود  
هنر بنمای اگر داری نه گوهر —————      گل از خارست و ابراهیم از آزر»  
(سعدی، ۱۳۸۷: ۱۷۹)

بیت اول، تمثیل به داستان طوفان حضرت نوح دارد. «کنعان نام پسر حضرت نوح است که از فرمان پدر پیروی نکرد و سوار بر کشتی نشد و غرق شد. کنعان چون فضیلت نداشت فرزند پیامبر بودن، چیزی بر او نیفزود.»  
(همان: ۵۳۳)

شیخ اجل با گفتن این تمثیل هدفی داشته است بدین گونه که ما اگر هنر و فضل و دانشی داریم، باید نشان بدهیم نه به اصل و نسب خویش تکیه کنیم و فخر بورزیم.

### نتیجه گیری

در این مقاله که بررسی تمثیل جلوه‌های زندگی خوب در بوستان و گلستان سعدی براساس دیدگاه مارتین سلیگمن بود به این نتیجه می‌رسیم:

براساس نظریه مثبت‌نگر مارتین سلیگمن فضایی چون: همدلی، دوستی و مهربانی، محبت، بخشش و غیره در بوستان و گلستان سعدی وجود دارد که هر کدام از آن‌ها دارای قابلیت‌های چندگانه‌ای است که شناخت آن‌ها به ما کمک می‌کند تا بتوانیم از دریچه‌ای تازه‌تری به ابعاد شخصیت انسان‌ها نگاه کنیم. تمرکز بر این صفات و پرورش آن‌ها راهی است تا بتوان در زندگی به شادکامی و بهباشی دست یافت. با توجه به نظریه سلیگمن و فضایل او، رویکرد سعدی در اصلاح جامعه مبتنی بر همدلی و یاری‌رسانی به هم‌دیگر است. او برای انسجام و یک‌پارچگی جامعه از عشق و دوستی سود برده است. نوع دوستی، دوست داشتن، خویشنداری و فروتنی

ویژگی‌های غالب انسان‌های آرمان‌شهر بوستان و گلستان سعدی است. شخصیت‌های داستان‌های او جملگی مثبت‌نگر، امیدوار به آینده، با روحیه، شاد، مشتاق به زندگی، سعادتمند و خشنود هستند. هم‌چنین تمثیل نقش اساسی در آثار سعدی به ویژه در بوستان و گلستان را دارد. سخنان حکیمانه که شیخ اجل آن‌ها را از زبان حکیمان بزرگ نقل کرده نیز تا حدودی در بوستان و گلستان به چشم می‌خورد. سعدی از آیات و احادیث قرآنی نیز در تمامی بوستان و گلستان استفاده کرده است و با کمک آن مخاطب را اندرز داده است. سعدی، برای بیان پند و اندرزهای خود ابتدا مثلی را ذکر کرده و بعد از آن به بیان نکته اخلاقی پرداخته است.

## منابع

- ۱- قران کریم. (۱۳۷۶). ترجمه محمد مهدی فولادوند، تهران، دارالقران، چاپ سوم.
- ۲- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷)، لغت نامه، تهران، دانشگاه تهران، جلد پنجم.
- ۳- سلیگمن، مارتین، (۱۳۷۹)، کودک مثبت‌گرا، ترجمه ناهید ایران‌نژاد، تهران، دایره
- ۴- شمیسا، سیروس، (۱۳۷۱)، بیان، تهران، فردوس، چاپ دوم.
- ۵- صفا، ذبیح الله، (۱۳۷۳)، تاریخ ادبیات ایران، تهران، فردوس، چاپ یازدهم، ج ۳/۱ و ۳/۲
- ۶- مصلح‌الدین، سعدی، (۱۳۸۷)، گلستان، تصحیح غلامحسین یوسفی، تهران، خوارزمی، چاپ هشتم.
- ۷- -----، (۱۳۸۹)، بوستان، تصحیح غلامحسین یوسفی، تهران، خوارزمی، چاپ دهم.
- ۸- معین، محمد، (۱۳۹۴)، فرهنگ فارسی، تهران، انتشارات امیر کبیر، ج ۱.



## مقاله‌ها

- ۱- فتوحی، محمود، (۱۳۸۳)، «تمثیل، ماهیت، اقسام، کارکرد»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، شماره ۴۷-۴۹، صص: ۱۷۷-۱۴۱.

## منابع خارجی

- ۱-Donaldson, S.I. & Dollwet, M.A. (2015). Happiness, excellence, and optimal human functioning revisited: Examining the peer-reviwed literature linked to positive psychology. The Journal of Positive Psychology, 10 (3), pp.185- 195.

## ترجمه منابع به انگلیسی

- ۱- The Holy Quran. (1376). Translated by Mohammad Mahdi Foladvand, Tehran, Darul Qur'an, third edition.
- ۲- Dekhoda, Ali Akbar, (1377), dictionary, Tehran, University of Tehran, fifth volume.
- ۳- Seligman, Martin, (1379), The Positive-Oriented Child, translated by Nahid Iran-Najad, Tehran, Circle
- ۴- Shamisa, Siros, (1371), Bayan, Tehran, Ferdous, second edition.
- ۵-Safa, Zabihullah, (1373), History of Iranian Literature, Tehran, Ferdous, 11th edition, vol. 1/3 and 2/3
- ۶- Moslehuiddin, Saadi, (1387), Golestan, edited by Gholamhossein Yousefi, Tehran, Kharazmi, 8th edition.
- ۷-----, (1389), Bostan, edited by Gholamhossein Yousefi, Tehran, Kharazmi, 10th edition.

^- Moein, Mohammad, (2014), Farhang Farsi, Tehran, Amir Kabir Publications, vol. 1.

#### Articles

-^Fatuhi, Mahmoud, (2013), "Allegory, nature, types, function", Journal of Faculty of Literature and Human Sciences, No. 47-49, pp. 141-177.

## **Examining the allegorical effects and themes of the good life based on Martin Seligman's perspective in Bostan and Golestan Saadi**

Naeime omde ghiasi

Kamran Pashaei Fakhri\*

Parwaneh Adelzadeh

### **abstract**

Parables are brief and gentle words with very deep content, in which the essence of human experiences is hidden in a compact form. Therefore, parables are considered to be clear examples of "Khairu al-Kalam ma qal' wa dall", "a few words and a lot of meaning". Poets and writers have used an allegorical approach to express their goals. Saadi Shirazi also tries to convey the message to the audience by using parables. The purpose of the research is to carefully investigate the allegorical effects of the good life from Martin Seligman's point of view in Bostan and Golestan Saadi. This article has been done in a library style and through surveying in a descriptive-analytical way in Saadi's Bostan and Golestan, and an attempt has been made to answer the question that the manifestations of a good life from Seligman's point of view in Bostan and What role and symbolic allegorical position does Golestan Saadi have? The results show that according to Seligman's theory and his virtues, Saadi's approach in reforming society is based on empathy and helping each other, which he expressed by using allegory. The characters of his stories are all positive, hopeful for the future, spirited, happy, eager for life, happy and happy.

**Keywords:** allegory, good life, Martin Seligman, Saadi Shirazi.